



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

Analysis of the Status of Blank Signature Contracts in Iranian Bank Law: A Look at Judicial Rulings

Mohsen Sadeghi¹ | Seyyed Ali Kahangi Shahreza^{2*} | Zahra Rokhsarizade³

1. Assistant Professor in the Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran Email: sadeghilaw@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, M.A in Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: s.ali.kahangi@gmail.com

3. M.A in Private Law, Shiraz university, Shiraz, Iran. Email: zahra.rokhsarizade@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received June 23, 2024

Revised January 17, 2025

Accepted March 04, 2025

Published online 18 March 2025

Keywords:

Blank signature contracts,

Bank law,

Theory of absolute invalidity,

Theory of relative invalidity,

Theory of advocacy,

Legal-economic analysis.

ABSTRACT

A prevalent issue in Iranian law is the prevalence of blank-signature contracts. Banks sometimes provide customers with blank-signature contracts, and due to the silence of the law, their legal status is disputed. Some judges consider these contracts null and void, while others consider them valid. A third group believes that the contract should be completed based on monetary and bank laws and the Council of Money and Credit resolutions, with partial nullity for illegal amounts. Since our law does not address this type of contract, this article attempts to fill this gap and answer the question of which legal approach is most effective. The hypothesis of this research is that the theory of complete nullity of the contract can be appropriate in terms of its preventive effect. This article uses a qualitative approach with library tools and a legal-economic analysis approach, divided into two sections. The most important achievement of this research is that among the three judicial approaches regarding the disputed contracts, the theory of complete nullity of the contract can be considered appropriate in terms of its preventive effect and efficient in terms of the principles of economic analysis of law. This approach prohibits banks from arranging blank-signature contracts and will prevent disputes and lawsuits in this field.

Cite this article: Sadeghi M.; Kahangi Shahreza, S. A. & Rokhsarizade, Z. (2024-2025). Analysis of the Status of Blank Signature Contracts in Iranian Bank Law: A Look at Judicial Rulings. *Private Law*.21 (2), 281-295. <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.378119.1007304>



© The Author(s). **Publisher:** University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.378119.1007304>



انتشارات دانشگاه تهران

حقوق خصوصی

سایت نشریه: <https://jolt.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۶۲۰۹-۲۴۲۳

تحلیل وضعیت قراردادهای سفیدامضا در حقوق بانکی ایران: با نگاهی به آرای قضایی

محسن صادقی^۱ | سید علی کهنگی شهرضا^۲ | زهرا رخساری زاده^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sadeghilaw@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران، تهران، ایران. رایانامه: s.ali.kahangi@gmail.com

۳. گروه حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: zahra.rokhsarizade@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

کلیدواژه:

تحلیل حقوقی- اقتصادی،

حقوق بانکی،

قرارداد سفیدامضا،

نظریه بطلان کلی،

نظریه بطلان نسبی،

نظریه وکالت.

از معضلات حقوق ایران شیوع قراردادهای سفیدامضا است؛ بدین نحو که گاه بانک‌ها قراردادهای سفیدامضا به مشتری تحویل می‌دهند و به دلیل سکوت قوانین وضعیت حقوقی آن محل اختلاف است. بعضی از قضات این قراردادهای را باطل و بعضی صحیح می‌دانند و دسته سوم قائل به تکمیل قرارداد بر اساس قوانین پولی و بانکی و مصوبات شورای پول و بطلان نسبی نسبت به مبالغ فراقانونی هستند. با عنایت به اینکه در حقوق ما به این دسته از قراردادهای پرداخته نشده، این نوشتار سعی در رفع خلأ موجود دارد و کوشیده تا بدین سؤال پاسخ دهد که کدام دیدگاه کارآمد است؟ فرضیه و مهم‌ترین دستاورد این پژوهش آن است که از میان سه رویکرد متشکست قضایی در خصوص قراردادهای متنازع‌فیه نظریه بطلان کامل قرارداد می‌تواند از حیث اثر پیشگیرانه مناسب و از حیث اصول تحلیل اقتصادی حقوق کارآمد باشد. این رویکرد بانک‌ها را از تنظیم قراردادهای سفیدامضا منع و از بروز اختلافات و دعاوی در این زمینه پیشگیری می‌کند. مقاله حاضر با روش کیفی با ابزار کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیل حقوقی- اقتصادی تهیه شده است.

استناد: صادقی، محسن؛ کهنگی شهرضا، سید علی و رخساری زاده، زهرا (۱۴۰۳). تحلیل وضعیت قراردادهای سفیدامضا در حقوق بانکی ایران: با نگاهی به آرای قضایی. حقوق خصوصی، ۲۱ (۲) ۲۸۱-۲۹۵.

<http://doi.org/10.22059/jolt.2025.378119.1007304>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.378119.1007304>

© نویسندگان.



مقدمه

قراردادهای سفیدامضا یکی از چالش‌های حقوقی نظام بانکی ایران به شمار می‌روند. در این قراردادها، مشتری پیش از تکمیل شدن مفاد آن قرارداد را امضا می‌کند و اختیار تکمیل آن به بانک واگذار می‌شود. این امر ابهامات و تردیدهای حقوقی متعددی را به وجود آورده است.

در قراردادهای سفیدامضا رضایت واقعی مشتری نسبت به مفاد قرارداد وجود ندارد. مشتری صرفاً تعهدی مبنی بر پذیرش آنچه بانک در آینده تعیین کند بر عهده می‌گیرد. این موضوع بانک را در موقعیتی قرار می‌دهد که می‌تواند به نفع خود و به ضرر مشتری از آن سوءاستفاده کند. همچنین آبریده‌کاران بانکی با سوءاستفاده از خلأهای موجود در قراردادهای سفید می‌توانند از زیر بار تعهدات خود شانه خالی کنند. رواج این نوع قراردادهای نظم عمومی اقتصادی را مختل می‌کند و به بی‌اعتمادی در نظام بانکی می‌انجامد.

قدرت چانه‌زنی و موقعیت برتر بانک به دلیل ماهیت خاص فعالیت بانکداری و نیاز مبرم مشتریان به خدمات بانکی می‌تواند منجر به تحمیل قراردادی غیرمنصفانه توسط بانک به مشتریان و تضییع حقوق آن‌ها شود. ایجاد عدالت در شرایط قراردادی، به‌ویژه قراردادهای الحاقی، در ماده ۲۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، مصوب ۱۳۹۰، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

قراردادهای سفیدامضای بانکی، به دلیل ماهیت الحاقی و ضرورت لحاظ ملاحظات حقوق عمومی و اقتصادی، از اسناد تجارتي سفیدامضا متمایز می‌شوند. با وجود اهمیت این موضوع، خلأ قابل توجهی در تحقیقات حقوقی در این زمینه وجود دارد. در قوانین ایران، تعریف صریح و مستقیمی از قراردادهای سفیدامضا ارائه نشده است. رویه قضایی ایران نیز در خصوص اعتبار قراردادهای سفیدامضا رویه‌ای متحد نیست. با این حال، می‌توان از برخی قواعد عام حقوقی برای تحلیل این نوع قراردادها استفاده کرد.

این پژوهش با هدف بررسی جایگاه حقوقی-اقتصادی این نوع قراردادها در نظام حقوقی ایران، با استفاده از روش کیفی و ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی جایگاه این نوع قراردادها در قوانین و رویه قضایی ایران می‌پردازد و با تحلیل سه دیدگاه موجود در خصوص ماهیت حقوقی این قراردادها به این پرسش پاسخ می‌دهد که کدام دیدگاه از منظر کارآمدی و تناسب با نظم حقوقی-اقتصادی ایران برتری دارد.

مقاله حاضر در سه بخش عرضه می‌شود: در بخش نخست ضمن اشاره به مفهوم قراردادهای سفیدامضای بانکی جایگاه موضوع در قوانین ایران مورد توجه قرار می‌گیرد، در بخش دوم به تحلیل حقوقی، و در بخش سوم به تحلیل اقتصادی قراردادهای سفیدامضای بانکی پرداخته می‌شود. در پایان نیز، ضمن تأیید فرضیه، راهکار مشخص جهت ترسیم وضع مطلوب پیشنهاد می‌شود.

بخش نخست. مفهوم قراردادهای سفیدامضای بانکی و جایگاه آن در قوانین ایران

قراردادهای سفیدامضا به عنوان یکی از مباحث مهم در حقوق قراردادها و به‌ویژه در حوزه بانکداری مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا، تعریف و ماهیت حقوقی این نوع قراردادها تبیین می‌شود و سپس جایگاه آن‌ها در نظام حقوقی ایران با تأکید بر قوانین حاکم بر نظام بانکی تحلیل خواهد شد. در ادامه، با استناد به آرای قضایی مرتبط، رویه قضایی کشور در خصوص اعتبار و آثار حقوقی قراردادهای سفیدامضا مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. در این بخش، ابتدا به مفهوم قرارداد سفیدامضای بانکی و سپس به جایگاه موضوع در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

مفهوم قراردادهای سفیدامضای بانکی

امضا، به عنوان عنصری بنیادین در فرایند انعقاد اسناد، نقشی محوری در نظام حقوقی ایفا می‌کند. الحاق امضا به هر سندی حاکی از تأیید و امضاکننده بر محتوای آن سند است و موجبات ایجاد تعهدات متقابل و الزامات حقوقی برای طرفین را فراهم می‌آورد. در برخی موارد، قراردادها پیش از تکمیل شدن توسط طرفین امضا می‌شوند. این نوع قراردادها با عنوان «قرارداد

سفیدامضا» شناخته می‌شوند. قراردادهای بانکی سفیدامضا در صورتی موضوعیت پیدا می‌کند که قرارداد، پیش از تکمیل، توسط مشتری امضا شود.

بر پایه اصول بنیادین حقوق از جمله استحکام معاملات، اصل ابقای قرارداد، و اصل امنیت قراردادی اسناد دارای امضا یا مهر یا اثر انگشت تا زمانی که خلاف آن اثبات نشده باشد معتبر تلقی می‌شوند. از این رو، قراردادهای سفیدامضا نیز از نظر ظاهری اسناد عادی معتبر و قابل استناد محسوب می‌شوند. واگذاری اوراق و اسناد به صورت سفیدامضا گاهی به منزله اعطای نمایندگی به دارنده سند برای تکمیل آن تلقی می‌شود. به عبارت ساده‌تر، امضا یا مهر زدن چنین قراردادی به طرف دیگر یا شخص ثالث اختیار می‌دهد تا مفاد قرارداد را به نمایندگی از امضاکننده تکمیل کند.

جایگاه موضوع در قوانین ایران

در نظام حقوقی ایران، به‌رغم رواج نسبی قراردادهای سفیدامضا، قانون یا مقرراتی به طور خاص به ماهیت، شرایط صحت، و آثار حقوقی این نوع قراردادها نپرداخته است. تنها مبنای قانونی مرتبط با این موضوع ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) است که سوءاستفاده از سفیدمهر یا سفیدامضا را جرم‌انگاری کرده است. این قراردادها به دلیل ماهیت الحاقی و ضرورت لحاظ ملاحظات حقوق عمومی و اقتصادی از اسناد تجارتي سفیدامضا متمایز می‌شوند؛ ولی، با وجود اهمیت این موضوع، خلأ قابل توجهی در قوانین و حتی تحقیقات حقوقی در این زمینه وجود دارد.

در راستای ساماندهی روابط کارگر و کارفرمایی و ایجاد رویه واحد در مراجع رسیدگی به این گونه اختلافات، دستورالعمل ویژه‌ای با محوریت مقابله با اسناد سفید امضا و پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی تدوین شده است.^۱ این دستورالعمل دو اصل اساسی ارائه می‌دهد:

۱. اسناد سفیدامضا پس از اثبات سفیدامضا بودن و تأیید آن توسط مرجع رسیدگی‌کننده از عداد دلایل و مدارک قابل استناد در مراجع حل اختلاف کار خارج می‌شوند. اما ارائه‌کننده سند می‌تواند با اثبات اینکه مطابق با نمایندگی اعطایی از سوی امضاکننده اقدام به تکمیل سند سفیدامضا کرده است اعتبار آن را دوباره احیا کند. نکته قابل توجه در این دستورالعمل معکوس شدن بار اثبات نسبت به قواعد عمومی است؛ به این معنا که برخلاف روال معمول، در این مورد اثبات عدم سوءاستفاده از وکالت و رعایت حدود اختیارات بر عهده دارنده سند (وکیل) است.

۲. در صورتی که فقط قسمتی از محتوای سند سفیدامضا صحت داشته باشد، صرفاً همان قسمت معتبر شناخته می‌شود و به عنوان دلیل پذیرفته خواهد شد. بنابراین اعتبار یک سند سفیدامضا شده به طور کامل به صحت همه محتوای آن وابسته نیست.

بخش دوم. تحلیل حقوقی قراردادهای سفیدامضا در حقوق بانکی ایران

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۱ دستورالعمل جدیدی را به منظور ایجاد شفافیت و نظارت بیشتر بر وضعیت قراردادهای تسهیلات بانکی ابلاغ کرد. این دستورالعمل شامل سازکارهای جدیدی برای نظارت بر قراردادهای تسهیلاتی^۲ منعقد از تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ به بعد است. بنابراین، با توجه به وضعیت موجود در حال حاضر می‌توان بحث را بدین نحو پیش برد:

۱. قراردادهای تسهیلات بانکی مشمول دستورالعمل بانک مرکزی: این دسته شامل قراردادهای تسهیلاتی منعقد شده از تاریخ درج شده در دستورالعمل است.

۱. دستورالعمل شماره ۳۵ روابط کار (نامه ابلاغی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به شماره ۱۷۵۹۹۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۹)

۲. در قانون عملیات بانکی بدون ربا سه حوزه اصلی سپرده‌ها، تسهیلات، و خدمات به رأی قراردادهای بانکی در نظر گرفته شده است. حوزه سپرده‌ها به تجهیز منابع پولی و حوزه تسهیلات به تخصیص منابع پولی در نظام بانکی می‌پردازد که به ترتیب فصل دوم و سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا به این موضوع اختصاص دارد. حوزه خدمات برخلاف دو حوزه دیگر به قراردادهای مبتنی بر کارمزد و نه سود می‌پردازد. قرارداد اعتبار اسنادی (گروئی، ۱۳۹۷: ۲۲)، ضمانت‌نامه‌های بانکی (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱۸۷)، ارائه صندوق امانت، حواله‌های بانکی، و سایر خدمات بانکی بر پایه ماده ۱۰ قرارداد و با استناد به ماده ۲۲۰ قانون مدنی و قوانین و مقررات تکمیلی آن از جمله مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (Uniform Customs and Practice for Documentary Credits) و مقررات متحدالشکل ضمانت‌نامه‌های عندالمطالبه (ICC Uniform Rules for Demand Guarantees) شکل می‌گیرد.

۲. وضعیت قراردادهای خارج از شمول دستورالعمل بانک مرکزی: این دسته شامل قراردادهای سپرده و خدمات بانکی می‌شود که پس از تاریخ مقرر در دستورالعمل منعقد شده‌اند. همچنین شامل همه قراردادهای بانکی (اعم از تسهیلات، سپرده، خدمات) می‌شود که قبل از تاریخ ابلاغ دستورالعمل منعقد شده‌اند.

وضعیت قراردادهای تسهیلات بانکی مشمول دستورالعمل بانک مرکزی

در اجرای تکلیف قانونی مقرر در ماده ۳۱ «قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار» مصوب ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی^۱ «دستورالعمل نحوه ثبت الکترونیکی قراردادهای تسهیلات بانکی» پس از تصویب در شورای پول و اعتبار توسط بانک مرکزی به شبکه بانکی ابلاغ شد. همه بانک‌ها تا تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ موظف به ایجاد سامانه الکترونیکی قراردادهای تسهیلاتی و ثبت الکترونیکی قراردادها در این سامانه بودند. تسهیلات‌گیرندگان، ضامنان، و راهنان می‌توانند از طریق این سامانه به همه اطلاعات مربوط به قرارداد تسهیلات و قرارداد وابسته خود دسترسی داشته باشند. از طریق این سامانه، بانک مرکزی بر این موضوع نظارت پیشینی خواهد داشت.

تبصره ۳ ماده ۳۱ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار و ماده ۷ دستورالعمل نحوه ثبت الکترونیکی قراردادهای تسهیلات بانکی^۲ اطلاعات مندرج در سامانه الکترونیکی را مبنا و ملاک امور مربوط به قرارداد قرار داده است و در عین حال این حکم را مانع از اختیارات مقام قضایی برای رسیدگی به اختلافات طرفین در خصوص مواردی از قبیل میزان بدهی تسهیلات‌گیرنده نمی‌داند. بنابراین عدم ثبت قرارداد در سامانه موجب بی‌اعتباری قرارداد خواهد بود و دریافت هر گونه وجهی از قبیل اصل و سود تسهیلات، کارمزد، و... فقط در قالب قرارداد ثبت شده در این سامانه قابل انجام دادن است. بدیهی است عدم ثبت قرارداد موجبی برای استرداد وجهی که تسهیلات‌گیرنده دریافت کرده به موجب رأی قضایی نخواهد بود.

وضعیت قراردادهای خارج از شمول دستورالعمل بانک مرکزی

این دسته شامل قراردادهای سپرده و خدمات بانکی می‌شود که پس از ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ مقرر در دستورالعمل منعقد شده‌اند. همچنین شامل همه قراردادهای بانکی (اعم از تسهیلات، سپرده، خدمات) می‌شود که قبل از تاریخ ابلاغ دستورالعمل منعقد شده‌اند.

وضعیت تشکیل و انعقاد قرارداد

آیا بانک و کالت در تکمیل قرارداد بانکی دارد؟ چنانچه پاسخ مثبت باشد، بانک اختیار تکمیل قرارداد را در حدود اختیار اعطایی مشتری و توافقات قبلی بین طرفین دارد. در غیر این صورت در مورد وضعیت قرارداد باید بررسی شود: آیا بخش نانوشته قرارداد به ارکان عقد خدشه وارد می‌سازد یا صرفاً تعهد فرعی است؟ آیا عدم تکمیل قرارداد مغایرتی با نظم عمومی دارد؟

ارزیابی امکان‌سنجی تکمیل‌پذیری قرارداد سفیدامضا

با اتخاذ رویکردی جامع و مبتنی بر آرای قضایی و اصول حقوقی، به بررسی امکان‌سنجی تکمیل‌پذیری قراردادهای سفیدامضا پرداخته می‌شود.

۱. ماده ۳۱ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار (الحاقی ۱۴۰۱/۰۲/۰۵): «... بانک‌ها و مؤسسات اعتباری موظف‌اند... نسبت به ثبت الکترونیکی قراردادهای تسهیلات و قراردادهای وابسته از جمله ضمانت، ارزیابی وثایق، امهال مطالبات، اقرار به دین، تهاتر، صلح و توافق، رضایت‌نامه، و هر گونه توافق مرتبط با تسهیلات اقدام نمایند. یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، دریافت هر گونه وجه قانونی مرتبط با تسهیلات توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری (از قبیل کارمزد، هزینه کارشناسی، اصل، سود، وجه التزام، و غیره) در قالب قرارداد درج شده در سامانه مذکور انجام خواهد پذیرفت ... تبصره ۴. متخلفان از مفاد این ماده یا از نرخ‌های مصوب شورای پول و اعتبار، اعم از مدیران یا کارکنان خاکی شبکه بانکی، علاوه بر جبران کلیه خسارات وارده به مشتریان، حسب مورد، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲) و یا ممنوعیت از اشتغال در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در هر حال حداکثر تا دو سال محکوم می‌گردند».

۲. ماده ۷ دستورالعمل نحوه ثبت الکترونیکی قراردادهای تسهیلات بانکی: «پس از انقضای مهلت مذکور در ماده ۵ محاسبات مبتنی بر اطلاعات مندرج در سامانه الکترونیکی قراردادهای تسهیلات مبنای امور مربوط به قرارداد از قبیل تعیین میزان بدهی، تسویه حساب، مطالبه وجه موضوع بدهی از تسهیلات‌گیرنده، تهاتر بدهی، امهال قرارداد تسهیلات، و ارائه دادخواست مطالبه وجه موضوع بدهی به مراجع ذیصلاح است. تبصره- این حکم مانع از اختیارات مقام قضایی برای رسیدگی به اختلافات طرفین در خصوص مواردی از قبیل میزان بدهی تسهیلات‌گیرنده نیست».

آرای قضایی

برخی از دادگاه‌ها معتقدند که امضای سند سفیدامضا به منزله اعطای وکالت به دارنده آن برای تکمیل مفاد سند است. به عبارت دیگر، امضاکننده سند به دارنده آن اختیار می‌دهد تا هر متنی را که بخواهد در سند درج کند و امضاکننده سند متعهد به انجام دادن تعهدات درج شده در سند خواهد بود.

در یکی از دادنامه‌های صادر شده از دادگاه بدوی، دادگاه استدلال کرده است: «با فرض سفیدامضا بودن سند مذکور [سند عادی] خوانده با امضای برگه سفید عملاً اختیار و وکالت تحریر و درج هر نوع تعهد و درج هر مبلغی را به خواهان واگذار کرده و خوانده ادعای تفویض اختیار و اعطای وکالت در درج مطلبی خاص یا مبلغی خاص را نیز نکرده است». این رأی با این استدلال که «با التفات به اینکه در اختیار قرار دادن سفیدامضا به واقع اعطای نوعی وکالت و اذن در درج مطلب و موضوع تعهد نسبت به دارنده آن می‌باشد» عیناً در دادگاه تجدیدنظر تأیید شده است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۱۳۰۵۰۳۰۳ صادر شده از شعبه ۲۸۱ دادگاه عمومی خانواده تهران، مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۹، قابل دسترسی در سایت دادراه).

در دادنامه‌ای مشابه، دادگاه مقرر کرده: «بنا بر موازین و عرف جامعه وقتی یک سندی به صورت سفیدامضا به کسی تحویل می‌شود اختیار مفاد مندرجات متن آن به طرف داده می‌شود و... چون در مورد متن آن و مندرجات در آن اختیار به طرف مقابل داده شده لذا [شخص امضاکننده] نمی‌تواند مجدداً مدعی [جعل آن سند] باشد». این دادنامه عیناً در شعبه ۶۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شده است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۱۳۰۵۰۳۰۳ صادر شده از شعبه ۲۸۱ دادگاه عمومی خانواده تهران، مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۹، قابل دسترسی در سایت دادراه).

در پرونده‌ای دیگر دادگاه با این استدلال که «امضا ذیل قرارداد حکایت از پذیرش مفاد آن دارد و بانک‌ها نیز بر اساس مصوبه ابلاغی اقدام به تنظیم قرارداد می‌نمایند» حکم بر محکومیت مشتری به پرداخت اصل خواسته و خسارت تأخیر پرداخت داده است (دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۷۶۵۴۲۰۰۶۸۰ صادره از شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان جزیره کیش، مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۳۱، قابل دسترسی در نوروزی، ۱۳۹۸).

در رأی دیگر دادگاه با این مبنا که «با فرض سفیدامضا واگذار نمودن قراردادها از ناحیه تجدیدنظر خوانده در واقع نتیجه اختیاری است که مشارئله در شرایط مورد رضایت و آرمانی خود برای استفاده به بانک اعطا نموده» (دادنامه صادر شده از دادگاه تجدیدنظر، قابل دسترسی در نوروزی، ۱۳۹۸) این رویه را مورد تأیید قرار داده است.

اصول حقوقی

تمایزات ماهوی میان اسناد تجاری و قرارداد سفیدامضای بانکی این دو را به عنوان دو مقوله مجزا با تبعات حقوقی متفاوت معرفی می‌کند. این تمایزات مانع از تسری نظریه وکالت دارنده در تکمیل اسناد تجاری به قرارداد سفیدامضای بانکی می‌شود.

۱. نظر اکثریت حقوق دانان بر این است که صدور اسناد تجاری به صورت ناقص با این قید که دارنده می‌تواند نواقص آن را تکمیل کند عرف و عادت تجارتی است (ستوده، ۱۳۹۱: ۲۸). عرف تجارتی در کنار سایر منابع حقوقی نقش مهمی در تنظیم روابط بین تجار و بازرگانان ایفا می‌کند. صدور سند تجاری سفیدامضا به منزله اعطای وکالت از طرف صادرکننده به دارنده تلقی شده است (اسکینی، ۱۳۹۳: ۵۳). این در حالی است که اعطای اختیار در تکمیل مفاد قرارداد سفیدامضا فاقد پشتوانه عرفی است.

۲. در وکالت، وکیل با حفظ حقوق و منافع موکل به نیابت از او عمل می‌کند؛ لیکن در قرارداد سفیدامضای بانکی بانک به عنوان طرف مقابل قرارداد منافع خود را در نظر خواهد گرفت.

۳. در وکالت اراده موکل در انجام دادن امور توسط وکیل دخیل است و او می‌تواند در هر زمان وکیل خود را عزل کند. اما در قرارداد سفیدامضا، پس از امضای قرارداد و تسلیم آن به بانک، عملاً اراده مشتری در تکمیل مفاد قرارداد توسط بانک نقشی ندارد و امکان عزل بانک به عنوان وکیل تا پیش از تکمیل قرارداد وجود ندارد.

اعتبارسنجی بخش نانوشته قرارداد سفیدامضا

همانند بند «ج»، در این بند نیز بررسی اعتبار بخش‌های نانوشته قرارداد سفیدامضا از جنبه بطلان یا صحت و حدود آن با تکیه بر آرای قضایی و اصول حقوقی بررسی خواهد شد.

آرای قضایی

برخی از دادگاه‌ها قراردادهای سفیدامضا را باطل دانسته‌اند. در ادامه به نمونه‌هایی از این آرا اشاره می‌شود. در پرونده‌ای، شرکتی با بانک قراردادهای مضاربه و جعالة اعتبار اسنادی به منظور دریافت تسهیلات منعقد کرده است. در برخی از قسمت‌های قراردادهای عبارات و اعداد به صورت سفیدامضا شده و متعاقباً توسط بانک تکمیل شده است. بانک در این الحاقات مبالغی را به عنوان خسارت تأخیر تأدیه در ماده ۷ قراردادهای جعالة درج کرده است. توافق اولیه بین طرفین بر نرخ سود ۱۶ درصد بوده، درحالی‌که بانک نرخ‌های ۲۴ درصد و ۲۷ درصد را در قراردادهای اعمال کرده است. بانک با استناد به صدور اجراییه از سوی اداره ثبت اسناد نسبت به وصول مطالبات خود اقدام کرده است. خواهان با استناد به قاعده فقهی «ما قصد لم یقع و موقوف لم یقصد» و با توجه به عدم رضایت و اطلاع از الحاقات و اعداد درج‌شده در قراردادهای تقاضای ابطال قرارداد جعالة را مطرح می‌کند. وی همچنین مدعی جعل اسناد توسط بانک در این خصوص می‌شود. بانک، ضمن رد ادعای جعل، به قاعده اقدام استناد می‌کند و با اشاره به آگاهی و رضایت مدیران شرکت از مفاد قراردادهای در زمان امضا به رویه مشابه در قراردادهای قبلی و تطابق نرخ سود درج‌شده با مقررات بانکی تأکید می‌کند. کارشناس منتخب دادگاه، پس از بررسی اسناد و مدارک ارائه‌شده، وجود جعل و الحاق قرارداد مضاربه و جعالة را تأیید می‌کند. دادگاه با عنایت به احراز وجود جعل در قرارداد جعالة و عدم رضایت خواهان از الحاقات و اعداد درج‌شده، به استناد مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۱۹۱ قانون مدنی، حکم به محکومیت بانک و بطلان قرارداد مضاربه و جعالة اعتبار اسنادی و نیز حکم به محکومیت اداره ثبت اسناد به منع صدور اجراییه در خصوص قراردادهای سه‌گانه اشاره‌شده می‌دهد (دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۷۶۵۴۵۰۰۸۳۳، صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی دادگستری شهرستان جزیره کیش، مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴، قابل دسترسی در نوروزی، ۱۳۹۸).

در پرونده‌ای دیگر دادگاه با استناد به مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون مدنی چنین استدلال کرده است که امضای قراردادهای توسط خواهان‌ها به صورت سفیدامضا حاکی از فقدان قصد و رضای آنان نسبت به مفاد نهایی قرارداد در زمان امضا است (رای صادرشده از شعبه ۸۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدرس تهران).

یکی از شعب دیوان عالی کشور با این مبنا که «با عنایت به وجود نسخه سفیدامضا از اصل قرارداد جعالة اعتبار اسناد امضا شده در ید خوانده و ادعای جعل (الحاق) به آن توسط بانک که دادگاه [تجدیدنظر] نه‌تنها به این ادعا رسیدگی نکرده بلکه سفیدامضا بودن مستند را دلیل تفویض اختیار در الحاق به بانک تلقی نموده است» رای فرجام‌خواسته را از موجبات نقض دانسته و رسیدگی مجدد را به دادگاه هم‌عرض ارجاع داده است (رای صادرشده از شعبه پنجم دیوان عالی کشور، قابل دسترسی در نوروزی، ۱۳۹۸).

در دادنامه‌ای دیگر دادگاه بر همین مبنا عقیده دارد تکلیفی برای امضاکننده قرارداد سفیدامضا در انجام دادن تعهداتی که به متن سفیدامضا الحاق شده وجود ندارد و حکم به معدوم کردن سند اشاره‌شده داده است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۸۰۲۲۹۲۰۰۳۴۷، صادرشده از شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران، مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۴، قابل دسترسی در سامانه ملی آرای قضایی).

رویه‌ای دیگر جهت تحکیم قرارداد، با اتکا به اصل صحت معاملات، نرخ را مطابق با حداقل نرخ مورد انتظار بانک مرکزی تعیین می‌کند و ملاک توافق طرفین را بر مصوبه بانک مرکزی استوار می‌کند. به نظر می‌رسد از دو منظر متفاوت این رویه قابل دستیابی است:

۱. امضای سند سفیدامضا به منزله اعطای وکالت است و دارنده فقط تا حدی که با قوانین و مقررات مغایرت نداشته باشد می‌تواند متن مورد نظر خود را در سند درج کند.

۲. سکوت طرفین را به منزله پذیرش مصوبات بانک مرکزی (حداقل به عنوان قانونی تکمیلی) تلقی کرد.

در دادنامه‌ای مقرر شده «طرفین ملزم به تبعیت از قراردادهای موصوف می‌باشند و امضای قرارداد بدون درج محتوای آن‌ها از موارد ابطال قرارداد نیست. زیرا دلالت بر اذن دارد و طرف دیگر را قادر و مجاز می‌سازد تا وفق قراردادهای مشابه نسبت به تکمیل آن اقدام نماید.» (تحلیل اقتصادی و حقوقی قراردادهای سفیدامضای در حقوق بانکی ایران).

اصول حقوقی

در مواردی که بانک در تکمیل قرارداد وکالت نداشته باشد، وضعیت قرارداد با وجود بخش‌های نانوشته از دو جنبه حقوقی قابل بررسی و ارزیابی است:

لزوم تفکیک بین ارکان اصلی و تعهدات فرعی

در فرض نانوشته ماندن بخش‌هایی از قرارداد سفیدامضا تمایز میان تعهدات فرعی و ارکان اصلی قرارداد در این زمینه حائز اهمیت است. با اتکا به اوضاع و احوال و قرائن موجود، می‌توان نسبت به ماهیت بخش نانوشته و آثار حقوقی آن اظهار نظر کرد. گاه رضایت طرفین بر مبنای ارزیابی و در نظر گرفتن همه تعهدات، شروط، و قیود مندرج در قرارداد به عنوان توافقی تجزیه‌ناپذیر شکل می‌گیرد. هر یک از این عناصر جزء لاینفک توافق است و حذف هر یک از آن‌ها می‌تواند تعادل اقتصادی معامله را بر هم زند و عقد را برای طرفین ناخواسته کند. در مقابل، تعهدات تبعی تعهداتی تلقی می‌شوند که در سایه عقد اصلی چهره فرعی می‌یابند و انگیزه اصلی انعقاد عقد محسوب نمی‌شوند. در نتیجه، فساد آن‌ها کل تراضی را بی‌اعتبار نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۳۳۳ - ۳۳۴).

چنانچه بخش نانوشته تعهدی فرعی باشد، که عدم تکمیل آن مغایر با نظم عمومی نباشد، در مقام اجرا باید تفسیر به ضرر تنظیم‌کننده سند کرد. زیرا:

۱. اصل تفسیر به زیان تنظیم‌کننده سند زمانی باید به کار رود که سایر قواعد تفسیر قرارداد کارساز نباشند (Kersley & Broom, 1939). در فرض ابهام و سکوت موارد مندرج در قرارداد نمی‌توان از قصد مشترک به عنوان مبنای تفسیر قرارداد استفاده کرد (کاتوزیان، ب، ۱۳۹۵: ۲۹۲). بنابراین باید از ابزارهای دیگری نیز برای تفسیر این نوع قرارداد استفاده کرد (علوم‌یزدی و بابازاده، ۱۳۸۷: ۲۵۴).

۲. این اصل بر پایه اصل حسن‌نیت استوار است (Kotuby, 2017) و در آن حمایت از طرفی است که در تنظیم سند نقشی نداشته یا قدرت چانه‌زنی کمتری داشته است. بنابراین در قرارداد الحاقی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد (Kersley & Broom, 1939). فرض بر این است که تنظیم‌کننده سند با دقت و ظرافت کافی متن قرارداد را تنظیم کرده است و در صورت وجود ابهام دامنگیر او می‌شود. حتی در قراردادهای بیمه اصل تفسیر به نفع بیمه‌گزار به عنوان یک قاعده عرفی پذیرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۸۶). تدوین ایجاب و ممکن نبودن مذاکره و چانه‌زنی به قراردادهای الحاقی چهره خاصی می‌بخشد که در مقام تفسیر و اجرای آن باید مورد توجه قرار گیرد (کاتوزیان، الف، ۱۳۹۵: ۳۴).

بر این اساس، در صورت ابهام در تفسیر متن قرارداد تفسیر به زیان طرفی صورت می‌گیرد که متن را تنظیم کرد است (American Restatement 2nd of the Law of Contracts § 206). تفسیر باید به گونه‌ای باشد که برای طرف مقابل سند بیشترین مطلوبیت را داشته باشد (MacQueen & Thomson, 2016). اراده طرف صادرکننده سند فقط تا حدی قابل اعمال است که به راحتی برای طرف دیگر قابل تشخیص باشد (Horn, 1972). با توجه به ملاحظات بیان‌شده، در مواردی که قرارداد بانکی سفیدامضا صحیح باشد بخش نانوشته قرارداد به زیان بانک (تنظیم‌کننده سند) تفسیر خواهد شد. به عبارت دیگر در قراردادهای صحیح سفیدامضای بانکی، که نرخ سود در آن‌ها نانوشته باقی مانده و در الزام مشتری به پرداخت سود صفر یا حداقل مصوب شورای پول و اعتبار ابهام وجود دارد، با اتکا به اصل تفسیر به زیان تنظیم‌کننده و همچنین دوران بین اقل و اکثر استقلالی می‌توان نتیجه گرفت که مشتری تکلیفی به پرداخت سود ندارد و تنها ملزم به استرداد اصل تسهیلات دریافتی است.

گفتنی است صدور حکم ابطال بخشی از قرارداد به دلیل مغایرت با مقررات آمره تعدیل قضایی قرارداد تلقی نمی‌شود (نظریه شماره ۱۱۸۲/۹۷/۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه). زیرا دادرسی می‌تواند، از طریق تحلیل اراده مشترک و غبن

حادث، مفاد قرارداد را تعدیل و متناسب با دگرگونی‌های غیر قابل پیش‌بینی اوضاع و احوال سازد (کاتوزیان، الف، ۱۳۹۵: ۸۸ - ۸۹). قضیه فی ما نحن فیه به دو دلیل از شمول تعدیل قضایی خارج است: ۱. فقدان تحولات غیر منتظره در اوضاع و احوال؛ ۲. عدم امکان احراز قصد مشترک بر سر مفاد نانوشته قرارداد.

مغایرت با نظم عمومی

در نظام بانکی، پدیده رواج قراردادهای سفیدامضا اقدامی مغایر با قانون و فاقد وجاهت قانونی است و مورد بی‌اعتنایی و عدم حمایت قانون‌گذار قرار گرفته است. بر اساس ماده ۳۷ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ بانک‌ها موظف به اجرای دستورهای و بخشنامه‌های بانک مرکزی و همچنین رعایت مقررات اساسنامه مصوب خود هستند. بانک مرکزی به موجب بخشنامه‌های ۲۰۶۵۴۶/۹۲ و ۳۱۳۲۳۸/۹۵ بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را موظف به انجام دادن اقداماتی در قبال قراردادهای مشارکت مدنی کرده است:

- قبل از انعقاد یا امضای قرارداد مشارکت مدنی، تمهیداتی اتخاذ شود تا مشتری، ضامن، و وثیقه‌گذار از مفاد قرارداد آگاهی کامل کسب کنند و نسخه‌ای از قرارداد یادشده به همراه مقررات و ضوابط مصرح در آن در اختیار مشتری، ضامن، و وثیقه‌گذار قرار گیرد.

- پس از انعقاد و امضای قرارداد، نسخه‌ای از آن که دارای ارزش قانونی یکسان با سایر نسخ است در اختیار طرفین قرارداد (تسهیلات‌گیرنده، ضامن یا ضامنین، وثیقه‌گذار یا وثیقه‌گذاران) قرار گیرد.

مقررات مربوط به سیاست‌های پولی و بانکی از جمله مصوبات بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار جزء قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی محسوب می‌شوند (نظریات شماره ۱۱۸۲/۹۷/۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۸، شماره ۳۳/۱۴۰۲/۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۳۰، شماره ۱۱۰۶/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۰، شماره ۱۴۲۶/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۲۸، شماره ۱۰۵۲/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه).

بدیهی است شرط امری بودن قواعد پولی و بانکی این است که این مقررات در حدود صلاحیت قانونی و با رعایت موازین قانونی صادر شده باشند. همچنین باید بین احکام وضعی و تکلیفی قایل به تمایز شد. به دلیل آمره بودن این مقررات، هر گونه توافق یا شرطی در قراردادهای بانکی که مغایر با آن‌ها باشد، وفق ماده ۹۷۵ قانون مدنی، فاقد اثر حقوقی است.^۱

در جامعه کنونی پایه‌های اصل آزادی قراردادها در مواجهه با نابرابری قدرت چانه‌زنی ناشی از دسترسی به اطلاعات، توانایی اقتصادی، انحصاری بودن کالا و خدمات یکی از طرفین متزلزل شده است (کاتوزیان، الف، ۱۳۹۵: ۳۵؛ کرمی، ۱۳۹۵: ۶۹۹). انطباق با ضرورت‌های اجتماعی (کاتوزیان، الف، ۱۳۹۵: ۱۴۸) قانون‌گذار را بر آن داشته که قراردادها را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی اداره کند و با دگرگون ساختن ماهیت سنتی قراردادها آن‌ها را از صرف توافقات فردی به قالب‌های اجتماعی پیش‌ساخته تبدیل و افراد را به انعقاد قرارداد ملزم کند و مفاد قرارداد را به طور یک‌جانبه از طریق قوانین الزام‌آور تعیین کند. در انعقاد قراردادهای الحاقی، حفظ مصالح امنیت اجتماعی بر آزادی اراده اشخاص تقدم دارد (کاتوزیان، الف، ۱۳۹۵: ۲۷ - ۳۵). نگاه اجتماعی و اداری قانون‌گذار به قراردادهای بانکی در قوانین و مقررات متعدد متبلور است:

۱. قانون‌گذار بانک‌ها را ملزم کرده است که تحت عناوین مشخص‌شده در ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا^۲ به قبول سپرده اقدام کنند. قانون‌گذار در این ماده عناوین خاصی را برای سپرده‌ها برشمرده است. این امر نشان می‌دهد که قصد قانون‌گذار حکیم بر انحصار انعقاد قرارداد تسهیلات در عناوین یادشده بوده است. بنابراین واژه «می‌تواند» در تجویزی

۱. با وجود ممنوعیت فعالیت بدون مجوز بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، قراردادهای منعقد بین بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز با مشتریان نیز در شرایطی که مغایر با قوانین و مقررات آمره از جمله سیاست‌های پولی و بانکی نباشند تا حدی که مورد تراضی طرفین است بین طرفین نافذ و لازم‌الاجرا هستند (نظریات شماره ۲۴۷۴/۹۷/۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۹ و ۳۱۵۷/۹۷/۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۷ اداره کل حقوقی قوه قضاییه).

۲. ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا: «بانک‌ها می‌توانند تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده بامدیر نمایند: الف) سپرده‌های قرض‌الحسنه: ۱. جاری، ۲. پس‌انداز؛ ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار. تبصره- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آن‌ها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف، و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد».

است و نه تخخیری.^۱ به علاوه اگر واژه «می‌تواند» تخخیری بود، نیازی به الحاق عناوین جدید خرید دین، مرابحه، و استصناع به عقود مندرج در فصل سوم آن قانون به موجب ماده ۹۸ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰ - ۱۳۹۴) نبود. بنابراین، در حوزه تسهیلات، بانک‌ها و مشتریان در انتخاب عناوین قراردادی و تعیین نتایج و آثار آن محدود شده‌اند و حداقل در این حوزه از این دو حیث اصل آزادی قراردادی برقرار نیست.

۲. قراردادهای بانکی طبق ماده ۷ قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها مصوب ۱۳۸۶ «در حکم اسناد رسمی» است. پیش از این طبق ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا قراردادهای بانکی (بهره) «در حکم اسناد لازم‌الاجرا و تابع مفاد آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی» تلقی می‌شد. با توجه به آثار و احکام مترتب بر اسناد لازم‌الاجرا، از تسری این حکم به اسناد مورد تردید باید اجتناب شود (نظریه شماره ۲۹۷/۹۹/۷، مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۸، اداره کل حقوقی قوه قضاییه).

۳. رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ دیوان عالی کشور با گذار از اصل آزادی اراده مطلق در تنظیم قراردادهای بانکی به سمت قواعد آمره مبنای جدیدی را در روابط حقوقی میان بانک‌ها و تسهیلات‌گیرندگان ایجاد کرده است (مرادی، ۱۳۸۰: ۲۰۲۱). برخی از محاکم، با اتکا به اصل صحت و آزادی اراده مندرج در ماده ۱۰ قانون مدنی معتقد به اعتبار قراردادهای بانکی با نرخ سود بالاتر از نرخ مصوب بودند. در مقابل برخی از محاکم بر این باور بودند که توافق طرفین در قرارداد بانکی نمی‌تواند مغایر با ماده ۲۰ قانون عملیات بانکداری بدون ربا باشد و نرخ سود توافق‌شده باید در چارچوب نرخ‌های مصوب شورای پول و اعتبار باشد. رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ دیوان عالی کشور قاعده آمره بودن ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا تأیید کرد. در رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ دیوان عالی کشور نظریه نماینده دادستان کل کشور استدلال کرده است که گستردگی شبکه بانکی در سراسر کشور و تأثیر مستقیم و آشکار آثار ناشی از قراردادهای بانکی بر اقتصاد و نظم عمومی ایجاب می‌کند در تنظیم این نوع قراردادها صرفاً به اصل آزادی اراده اکتفا نشود. پیش از این بخشنامه شماره ۱۰۰/۶۷۷۰/۱/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ رئیس قوه قضاییه، با آمره دانستن تصمیمات و مصوبات شورای پول و اعتبار در ارتباط با تسهیلات بانکی، تأکید می‌کرد قراردادهای یادشده تا حدودی که مغایرتی با مقررات اشاره‌شده نداشته باشد معتبر است و بیش از آن قابل ترتیب اثر در محاکم قضایی نیست.

۴. در رأی وحدت رویه ۸۰۵ دیوان عالی کشور محدودیت‌های اصل آزادی قراردادی بازتاب یافته است. بر این اساس مبلغ وجه التزام تعیین‌شده در قرارداد، حتی اگر بیش از شاخص قیمت‌های اعلامی رسمی (نرخ تورم) باشد، فاقد اشکال قانون دانسته شده است؛ مگر آنکه مغایرتی با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی داشته باشد. بنابراین در این مورد آیین‌نامه وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق، و مشکوک‌الوصول مؤسسات اعتباری (ریالی و ارزی) مصوب ۱۳۸۸ حاکم است.

بخش سوم. تحلیل اقتصادی قراردادهای سفیدامضای در حقوق بانکی ایران

منظور از تحلیل اقتصادی حقوق آن است که با استفاده از ابزارها و روش‌های کمی یا کیفی علم اقتصاد به تحلیل فلسفه یا آثار اقتصادی نهادهای حقوقی مانند قوانین، آراء، قراردادهای، یا نظرات حقوق‌دانان و اثر این نهادها بر طرفین رابطه حقوقی و هر بخشی از جامعه که مستقیم یا غیر مستقیم متأثر از آثار اقتصادی این نهادهاست می‌پردازد و وضع موجود را تبیین و پیشنهاد وضع مطلوب ارائه می‌کند (صادقی، ۱۴۰۳: ۱۰ به بعد). با عنایت به تعریف بیان‌شده، می‌توان برخی از فواید مهم و کاربردی استفاده از تحلیل اقتصادی در حقوق را کمک به تشخیص فلسفه وجودی یک نهاد حقوقی (مانند فلسفه وضع یک ماده خاص) و کمک به تنظیم و تفسیر قوانین و قراردادهای به نحو کارا و صدور آرای کارا دانست. بنابراین مهم‌ترین هدف تحلیل اقتصادی حقوق رسیدن به نقطه کاراست نه صحت و بطلان عمل حقوقی. بدین ترتیب، ممکن است یک نهاد حقوقی مانند یک شرط قراردادی از نظر

۱. برای دیدن نظر مخالف ← نظریه شماره ۷/۹۵/۲۹۶۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۹ اداره کل حقوقی قوه قضاییه.

حقوقی صحیح ولی از نظر اقتصادی ناکارا باشد. همچنین در مواردی که در خصوص یک مسئله حقوقی اختلاف نظر میان شعب دادگاه یا حقوق دانان وجود دارد تحلیل اقتصادی می تواند شاخص عینی و مناسبی برای تعیین و انتخاب نظر برتر و کارا باشد.

در خصوص موضوع مقاله حاضر گفتیم که در حال حاضر سه رویه مختلف میان محاکم حقوقی ما وجود دارد و ما برای تشخیص اینکه کدام رویه برتر است نیازمند شاخص هستیم. با فرض اینکه این موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و منتهی به صدور رأی وحدت رویه شود، باز هم این امر نشان دهنده انتخاب نظر کارا نیست. زیرا رویه هیئت عمومی دیوان عموماً مبتنی بر این روش است که موضوع را بر مبنای استدلالات فقهی-حقوقی محض بررسی می کند و شاخصان برای انتخاب نظر برتر از میان آرای متعارض شعب محاکم رأی گیری و نظر اکثریت است نه لحاظ کردن پیامدهای اقتصادی رأی. از این رو استفاده از اصول تحلیل اقتصادی حقوق می تواند تا حدودی این نقیصه را مرتفع سازد.

تحلیل اقتصادی لزوماً به معنای استفاده از روش های کمی اقتصادسنجی مانند فرمول و نمودار و آمار نیست؛ بلکه با کمک روش های کیفی نیز می توان تحلیل اقتصادی انجام داد و بهره گیری از اصول تحلیل اقتصادی حقوق یکی از این روش های کیفی است (صادقی، ۱۴۰۳: ۹). این اصول البته متنوع هستند که پرداختن به همه آنها نه در این مقال می گنجد نه همه آنها به موضوع مقاله مرتبط هستند. بنابراین در این مقاله تنها به یک اصل اکتفا می شود.^۱

یکی از اصول تحلیل اقتصادی حقوق اصل مقابله با مخاطره اخلاقی^۲ است. مطابق این اصل، یک نهاد حقوقی (مانند یک قانون یا یک قرارداد یا رأی قضایی) نباید چنان امتیاز یا وضعیتی برای اشخاص مهیا کند که احتمال ایجاد یا افزایش بی احتیاطی یا بی مبالاتی و در نتیجه احتمال ایجاد یا افزایش ریسک ورود زیان به خود یا دیگران را به وجود آورد. زیرا این بی احتیاطی و بی مبالاتی انگیزه ارتکاب تخلف یا جرم یا عمل ناقض قانون یا فعل زیان بار را کاهش نمی دهد و مصادیق ارتکاب افعال غیر مجاز و ورود زیان مادی و معنوی به غیر را می افزاید.

حال این اصل را بر موضوع مقاله بار می کنیم. پذیرش نظریه وکالت و نظریه بطلان نسبی، هر دو، باعث افزایش بی مبالاتی در رویه محاسباتی بانک ها می شوند و هدف بانک مرکزی از مصوبات شورای پول و اعتبار در حمایت از مشتریان به عنوان طرف ضعیف تر قراردادهای بانکی و جلوگیری از محاسبات غیر قانونی بانک ها را عقیم می گذارد. ناکارآمدی نظریه وکالت کاملاً مشخص است. زیرا بانک به بهانه وکیل بودن قرارداد بانکی را تکمیل می کند و ممکن است شروطی مانند وجه التزام یا سود یا خسارت دیرکرد فراقانونی را کامل کند و این خود مصداق اجلای تفسیری است که بانک ها را به ورطه بی مبالاتی در تکمیل قراردادهای بانکی و به تبع زیان مشتریان می کشاند؛ به خصوص اینکه قراردادهای بانکی قراردادهای الحاقی هستند و احتمال تحمیل شروط غیر منصفانه از سوی بانک به طرف ضعیف تر بسیار بالاست و بنابراین اتخاذ راهکار برای جلوگیری از بروز زمینه های مخاطره اخلاقی در بانکداری اهمیتی فراتر از روابط قراردادی خصوصی دارد (Hossain, 2015). حتی رأی وحدت رویه ۸۴۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص قابلیت ابطال قراردادهای منعقدۀ توسط وکیل که خلاف غبطه موکل است^۳ نیز راهگشا نیست. زیرا مشخص نیست در عمل تا چه حد قضات این رأی را از دایره بیع به عقود بانکی تسری دهند؛ ضمن اینکه وجود معیار مبهم رعایت یا عدم رعایت غبطه موکل به طور بالقوه باعث بروز اختلاف تفسیر میان مشتری و بانک و افزایش تعداد دعاوی در دادگستری و در نتیجه افزایش هزینه معاملاتی می شود. همچنین نظریه بطلان نسبی قراردادهای بانکی به نسبت میزان فراقانونی نیز مانع بی مبالاتی بانک ها در تکمیل غیر مجاز قراردادهای سفیدامضا (مخاطره اخلاقی) نخواهد شد. زیرا برخی بانک ها ممکن است همچنان قراردادهای سفیدامضا را با شروط فراقانونی تکمیل کنند. با این ارزیابی که اگر مشتری

۱. علاقه مندان برای مطالعه سایر اصول تحلیل اقتصادی حقوق ← صادقی، ۱۴۰۳: ۲۲ به بعد.

2. moral hazard

۳. رأی وحدت رویه ۸۴۷: «طبق ماده ۲۴۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ انجام معامله نسبت به مال دیگری از طریق وکالت تجویز شده است. از سوی دیگر مطابق ماده ۶۶۷ همان قانون وکیل موظف است در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را رعایت نماید و از آنچه موکل صراحتاً به او اختیار داده و یا بر حسب قرائن، عرف، و عادت که داخل در اختیارات اوست تجاوز نکند. بنابراین هرگاه شخصی وکالت فروش مال خود را به دیگری تفویض کند و در وکالت نامه قید نماید که وکیل اختیار دارد مال او را به هر قیمتی معامله کند عبارت «به هر قیمت یا به هر شخص ولو به خود» محمول بر قیمت متعارف خواهد بود و چنانچه وکیل آن مال را به قیمت کم که عرفاً ثمن بخش و غیر قابل قبول باشد به خود یا دیگری بفروشد اقدام وی فضولی محسوب و با وحدت ملاک از ماده ۱۰۷۳ قانون مدنی معامله انجام شده بدون تنفیذ موکل محکوم به بطلان است. بدیهی است موضوع رأی شامل مواردی که قبل از تنظیم وکالت نامه معامله ای صورت گرفته باشد نمی گردد...».

دعوی ابطال این شروط را اقامه نکند، آن‌ها به مقادیر فراقانونی بیشتری دست پیدا می‌کنند و اگر مشتری اقامه دعوا کند در بدترین حالت دادگاه اصل قرارداد و شروط را تا میزان قانونی صحیح می‌داند و تنها مقادیر فراقانونی را ابطال می‌کند. بنابراین در هر حالت بانک از سود قانونی خود محروم نمی‌شود. بنابراین، از آنجاکه بانک در هر دو حالت سود قانونی را دریافت می‌کند و حتی در یک سناریو ممکن است به سود فراقانونی نیز دست یابد، هیچ انگیزه اقتصادی یا حقوقی برای تنظیم قراردادهای سفید امضا مطابق با مصوبات بانک مرکزی وجود نخواهد داشت. بنابراین تفسیر بیان شده تعداد تخلفات بانکی و در نتیجه تعداد دعاوی را نخواهد کاست. زیرا انگیزه کاهش تخلف وجود ندارد.

اما اگر نظریه بطلان مطلق قرارداد را بپذیریم، بانک‌ها را با ریسک از دست رفتن سود قانونی نیز مواجه می‌کنیم و بانک باید میان دو فرض انتخاب کند: یا قرارداد سفیدامضا را به نحو فراقانونی تکمیل کند و با طرح دعوی مشتری نه تنها سود فراقانونی بلکه سود قانونی را از دست بدهد و تنها اصل وام را مسترد کند یا اینکه هیچ قراردادی را در وضعیت سفیدامضا قرار ندهد و همه قراردادهای را بر اساس مصوبات بانک مرکزی و سود قانونی تنظیم و تکمیل کند یا قرارداد صحیح بماند و سود قانونی را دریافت کند. در اینجا بانک مطابق نظریه بازی‌ها قاعداً راهکار بی‌ریسک را می‌پذیرد (Nwogugu, 2007) و این می‌تواند تعداد قراردادهای سفیدامضای بانکی، تعداد شروط غیر منصفانه و به تبع موارد ضرر مشتریان را بکاهد.

نتیجه و پیشنهاد

بنا بر آنچه گفته شد، از منظر تحلیل اقتصادی، نظریه بطلان مطلق نسبت به دو نظریه وکالت و بطلان نسبی کارا و برتر است. اما از حیث تحلیل حقوقی محض باید گفت در قراردادهای بانکی بانک وکالت در تکمیل قرارداد ندارد. بخش‌های نانوشته یا سفیدامضا در این گونه قراردادها در دو حالت می‌توانند باطل تلقی شوند:

۱. خلل به ارکان توافق: اگر مفاد نانوشته به ارکان اصلی توافق، مانند تعهدات طرفین یا موضوع قرارداد، خدشه وارد کند، قرارداد قابل ابطال خواهد بود.

۲. تخلف از مصوبات و نظم عمومی: در صورتی که مفاد نانوشته مغایر با مصوبات بانک مرکزی یا مخالف نظم عمومی باشد، ابطال آن‌ها محتمل است.

در غیر این دو حالت، یعنی زمانی که مفاد نانوشته صرفاً تعهدات فرعی را شامل شده و مغایرتی با مصوبات یا نظم عمومی نداشته باشد، قرارداد معتبر خواهد بود. در چنین مواردی، در مقام اجرای قرارداد، تفسیر مفاد آن باید به نفع مشتری و نه به نفع بانک تنظیم‌کننده قرارداد انجام شود.

با این حال، طبق دستورالعمل جدید بانک مرکزی، ثبت الکترونیکی همه قراردادهای تسهیلات بانکی الزامی شده است. صرفاً در مورد این نوع قراردادها (و نه دو حوزه دیگر فعالیت بانکی شامل سپرده‌ها و خدمات) و آن هم قراردادهای منعقد شده پس از تاریخ مقرر شده در دستورالعمل، قراردادهای غیر الکترونیکی باطل است.

قراردادهای بانکی بیش از آنکه محصول توافق آزادانه طرفین باشد الزامات قانونی مقررات بانکی بر آن‌ها سایه افکنده است و حقوق عمومی نقشی اساسی در تنظیم روابط قراردادی بین بانک‌ها و مشتریان ایفا می‌کند و در برخی موارد بر حقوق خصوصی غلبه دارد. دستورالعمل احیا و گزیر بانک‌های اتحادیه اروپا^۱ در سال ۲۰۱۴ نمونه‌ای از تجلی حاکمیت حقوق عمومی و آمیختگی اراده آزاد طرفین با الزامات قانونی در حوزه بانکی است. این دستورالعمل «تجات از درون»^۲ را به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی «نظام گزیر»^۳ در پاسخ به بحران در نظام بانکی به عنوان جایگزینی برای فرایند ورشکستگی سنتی در مواجهه با بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در معرض فروپاشی معرفی کرد و مداخلات گسترده دولت را تجویز کرد (خرآط‌ها و شریف‌زاده، ۲۰۱۹: ۲۱۷).

در این زمینه دو پاسخ احتمالی قانون‌گذار برای قراردادهای بانکی می‌تواند ۱. ابطال قراردادهای سفیدامضا و ۲. ثبت الکترونیکی و نظارت بانک مرکزی در نظر گرفته شود.

1. banks recovery and resolution directive 2014.

2. bail-in

3. resolution regime

بطلان کامل این نوع قراردادها از حیث اثر پیشگیرانه کارآمد و مناسب به نظر می‌رسد. این رویکرد بانک‌ها را از تنظیم قراردادهای سفیدامضا منع می‌کند و از بروز اختلافات و دعاوی در این زمینه پیشگیری خواهد کرد. این نظریه راه‌حلی قاطع و صریح برای مشکل قراردادهای سفیدامضا ارائه می‌دهد و از پیچیدگی‌های حقوقی و قضایی در این زمینه می‌کاهد. بطلان کامل این نوع قراردادها، با حفظ حقوق و منافع مشتریان، از سوءاستفاده‌های احتمالی بانک‌ها جلوگیری می‌کند و به سلامت و ثبات نظام بانکی کمک می‌کند. این نظریه، ضمن حفظ حقوق و منافع مشتریان، از سوءاستفاده‌های احتمالی بانک‌ها جلوگیری می‌کند و به سلامت و ثبات نظام بانکی کمک می‌کند.

شفافیت در ثبت قراردادهای حفره‌هایی را که آبردهکاران بانکی، با ادعای عدم اطلاع یا قرارداد سفیدامضا برای فرار از تعهدات خود، از آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند مسدود می‌کند.



منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۱). *حقوق تجارت* (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل، و چک). چ ۲۰. تهران: سمت.
- خرّاطها، محمدطه و شریفزاده (۱۳۹۸). نجات از درون (Bail-in) امکان سنجی حقوقی و اقتصادی به کارگیری ابزار «نجات از درون» در نظام بانک داری بدون ربا ایران. *حقوق اسلامی*، ۲۱۷ - ۲۴۶.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۹۱). *حقوق تجارت*. چ ۲۲. تهران: دادگستر. ج ۳.
- صادقی، محسن (۱۴۰۳). *اصول تحلیل اقتصادی حقوق و کاربرد عملی آن در تقنین، فقه، رویه قضایی، دکتین، و تنظیم قراردادها در ایران*. تهران: میزان.
- علوم یزدی، حمیدرضا و بابازاده، بابک (۱۳۸۷). شیوه های تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران و انگلستان. *پژوهش حقوق عمومی*، ۲۲۵ - ۲۷۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). *قواعد عمومی قراردادها* (جلد اول: مفهوم، انعقاد، و اعتبار قرارداد). چ ۱۳. تهران: گنج دانش.
- _____ (۱۳۹۵). *قواعد عمومی قراردادها* (جلد سوم: آثار قرارداد). چ ۱۰. تهران: گنج دانش.
- _____ (۱۳۹۶). *قواعد عمومی قراردادها* (جلد دوم: انعقاد و اعتبار قرارداد، نظریه بطلان و عدم نفوذ). چ ۱. تهران: گنج دانش.
- _____ (۱۳۸۴). *تفسیر قرارداد. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۲۷۷ - ۳۰۸.
- کریمی، سکینه (۱۳۹۵). نابرابری قدرت چانه زنی به عنوان مبنایی برای کنترل قرارداد. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۷(۲)، ۶۹۳ - ۷۲۳.
- مرادی، یاسر (۱۴۰۰). گذار قراردادهای بانکی از اصل حاکمیت اراده به قواعد آمره: بررسی موردی رأی وحدت رویه ۷۹۴ دیوان عالی کشور. *مجموعه حقوقی (دیوان عالی کشور)*، ۱۳۷ - ۱۶۴.
- نوروزی، علی رضا (۱۳۹۸). بررسی ابعاد حقوقی اسناد سفیدامضا با تکیه بر قراردادهای بانکی. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. گرایش حقوق خصوصی. پردیس بین المللی کیش. دانشگاه تهران.
- American Restatement 2nd of the Law of Contracts, Accessible online at <https://www.trans-lex.org/926000>.
- Eskini, R. (2012). *Commercial Law* (Bills of Exchange, Promissory Notes, Warehouse Receipts, Bearer Instruments, and Checks). 20th Edition. Tehran: Samt Publications. (in Persian)
- Horn, N. (1972). *Das Recht der internationalen Anleihen*. Frankfurt a. M., 1972, Accessible online at <https://www.trans-lex.org/926000>.
- Hossain, M.M. (2015). Moral Hazard in Banking. *Journal of Banking & Financial Services*, 9(1), 95-115.
- Karami, S. (2016). Inequality of bargaining power as a basis for control of contract, 7(2), 693-723. (in Persian)
- Katouzian, N. (2016). *General Rules of Contracts* (Vol. 1: Concept, Conclusion and Validity of Contracts). Tehran: Ganj Danesh Publications. (in Persian)
- _____ (2017). *General Rules of Contracts* (Vol. 2: Conclusion and Validity of Contracts, Theory of Nullity and Ineffectiveness). Tehran: Ganj Danesh Publications. (in Persian)
- _____ (2024). *General Rules of Contracts* (Vol. 3: Effects of Contracts). 10th Edition. Tehran: Ganj Danesh Publications. (in Persian)
- _____ (2005). Contract Interpretation. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 277-308. (in Persian)
- Kersley, R. H. & Broom, Herbert, LL. D. (1939). *A Selection of Legal Maxims*. 10th Edition. London: Accessible online at <https://www.trans-lex.org/926000>.
- Kharatha, M.T. & Sharifzadeh (1398). Bail-in: Legal and Economic Feasibility Study of Applying Bail-in Tool in Iran Usury-free Banking. *Journal of Islamic Law*, 217-246. (in Persian)
- Kotuby Jr, C. T. & Sobota, L. A. (2017). General principles of law and international due process: principles and norms applicable in transnational disputes. Oxford University Press. Accessible online at <https://www.trans-lex.org/926000>.
- MacQueen, H. L. & Thomson, J. (2016). *Contract Law in Scotland*. Accessible online at <https://www.trans-lex.org/926000>.
- Moradi, Y. (2021). Transition of Bank Contracts from the Principle of Freedom of Will to Mandatory Rules; A Case Study of the Unified Jurisprudence Opinion 794 of the Supreme Court. Literal and Accurate English Translation of the Legal Collection (Supreme Court). 137-164.
- Norouzi, A.R. (2019). Investigation of the Legal Dimensions of Blank Documents Based on Bank Contracts. *Master's Thesis*. Private Law. Kish International Campus. University of Tehran. (in Persian)
- Nwogugu, M. (2007). Some game theory and financial contracting issues in corporate transactions. *Applied Mathematics and Computation*, 186.
- Oloumi-Yazdi, H.R. & Babazadeh, B. (2009). Methods of interpreting legal contract system in Iran and England. *Legal Research Quarterly*, 225-270. (in Persian)

- Sadeghi, M. (2024). *Principles of Economic Analysis of Law and Its Practical Application in Legislation, Jurisprudence, Case Law, Doctrine and Contract Drafting in Iran*. Tehran: Mizan Publisher. (in Persian)
- Sotodeh Tehrani, H. (2012). *Commercial Law*. 22nd Edition. Tehran: Dadgar Publisher. Vol. 3. (in Persian)
- Website <https://ara.jri.ac.ir/>
- Website <https://edarehoquqy.eadl.ir/>
- Website <https://qavanin.ir/>
- Website <https://www.cbi.ir/>
- Website <https://www.dadrah.ir/>
- Website Telegram Channel @bankinglaws

